



امیرالمومنین(ع)؛ باب علم نبی و رکن امامت/ دلایل اهمیت نهج البلاغه

نویسنده کتاب «زمانه ما و نهج البلاغه» گفت: عمده نهج البلاغه مربوط به دوران حکومت امیرالمومنین(ع) است و سخنان امامی است که در یک چالش عینی و انضمامی با مسائل درگیر شده و سخن می گوید.

نویسنده کتاب «زمانه ما و نهج البلاغه» گفت: عمده نهج البلاغه مربوط به دوران حکومت امیرالمومنین(ع) است و سخنان امامی است که در یک چالش عینی و انضمامی با مسائل درگیر شده و سخن می گوید.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: ظرفیت نهج البلاغه در پاسخ به مسائل امروز ما مسئله ای است که شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته است. سوالات جدید امروز ما با عرضه به نهج البلاغه می تواند پاسخ های راهگشایی برای ما داشته باشد. تأمل در نهج البلاغه و مطالعه آن می تواند ما را در ارائه الگویی در مورد نحوه عمل امیرالمومنین در مواجهه با مسائل مختلف به دست دهد. آنچه مورد تأکید است این است که تاکنون نهج البلاغه جایگاه واقعی خود را در میان دیگر کتب روایی نیافته است و به نوعی مهجور بوده است.

به مناسبت ۱۳ رجب و میلاد حضرت امیرالمومنین(ع) در گفتگو با فرزاد جهان بین، استاد دانشگاه و مصطفی دلشاد تهرانی، نهج البلاغه پژوه و عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث در مورد نهج البلاغه و ظرفیت های آن به گفتگو نشستیم؛

فرزاد جهان بین در مورد اهمیت و جایگاه نهج البلاغه گفت: نهج البلاغه از دو جهت در این بین جایگاه مهمی در بحث سنت پیدا می کند. اولی مربوط به جایگاه امیرمومنان است. امیرالمومنین باب علم نبی است. جناب احمد ابن حنبل می گوید: «به آن اندازه که برای علی(ع) فضائل صحیح وارد شده برای هیچیک از صحابه وارد نشده است»؛ او می گوید که «علی را نمی توان با هیچیک از صحابه مقایسه کرد»؛ ابن عباس می گوید: «علی(ع) چهار ویژگی دارد که دیگران ندارند. وی نخستین کسی است که با رسول خدا نماز خوانده است، در هر جنگی پرچم رسول خدا را در دست داشته، در هر ستیزی که دیگران گریخته اند ایستادگی کرده و کسی است که رسول خدا را غسل داده و در قبر نهاد.»

وی ادامه داد: زید بن ثابت به امام عرض کرد که «جایگاه تو نسبت به رسول خدا جایگاهی است که احدی با آن نمی تواند برابری کند.» خود آن حضرت در نهج البلاغه می فرماید که «نسبت من به رسول خدا، مانند نسبت دو شاخه ای است که از یک ریشه و بن برآمده باشد یا مانند نسبت ساعد به بازوی دست است که آرنج در وسط آنها قرار دارد و هر دو، از استخوان شانه روئیده اند.» در آن حدیث بسیار صحیح، پیامبر(ص) به علی(ع) فرمود: «منزلت تو به من مثل منزلت هارون به موسی است جز اینکه نبی ای بعد از من وجود ندارد.» روایت هایی از این دست بسیار است که در مورد شأن امیرالمومنین نقل شده است. بر همین اساس است که امیرالمومنین تنها کسی است که ادعا کرده «سلونی قبل ان تفقدونی»؛ از من بپرسید قبل از اینکه مرا از دست بدهید که من به راه های آسمان از راه های زمین آشناترم.

امیرالمومنین در سنت بعد از پیامبر جایگاه برجسته ای دارد و رکن امامت است و بقیه ائمه نیز جایگاه ویژه ای برای امیرالمومنین نسبت به خود قائل بودند

وی افزود: به هر حال امیرالمومنین(ع) در سنت بعد از پیامبر(ص) جایگاه برجسته ای دارد و رکن امامت است و بقیه ائمه نیز جایگاه ویژه ای برای امیرالمومنین(ع) نسبت به خود قائل بودند. امام سجاد(ع) با آن عظمت روحی و معنوی که داشت و به سید الساجدین معروف است وقتی از ایشان در مورد شدت عبادت سوال شد فرمودند این در مقابل عبادت جدم امیرالمومنین چیزی نیست.

نویسنده کتاب «زمانه ما و نهج البلاغه» گفت: نکته دوم اینکه عمده نهج البلاغه مربوط به دوران حکومت امیرالمومنین است. از این جهت این سخنان کسی است که در یک چالش عینی و انضمامی با مسائل درگیر شده و سخن می گوید. لذا نهج البلاغه از این دو جهت برای ما بسیار مهم می تواند باشد. مخصوصاً در شرایط امروز ما که اسلام بعد از قرن ها حکومتی به نام جمهوری اسلامی تشکیل داده که تجربه آن پیش روی ماست.

وی ادامه داد: قریب به ۳۰۰ شرح بر نهج البلاغه نوشته شده و این نشانگر اهمیت نهج البلاغه و توجه به آن است. شاید کمتر کتابی است که اینقدر مورد توجه قرار گرفته است. منتهی عواملی وجود دارد که در مجامع علمی ما کمتر به نهج البلاغه پرداخته شده است. به عنوان نمونه پارادایم حاکم در بررسی اسناد مهم است. دو مکتب وثوق صدوری یا خبری و سندی یا مخبری در همین باره است. تا قبل از مرحوم شهید ثانی در سند بیشتر خود محتوا مورد توجه قرا می گرفت. اما از زمان مرحوم شهید ثانی به طور انحصارگرایانه ای بر وثوق مخبری تاکید شد. در اینجا بحث مرسل بودن نهج البلاغه مطرح می شده است. مرسل یعنی رها شده و در اصطلاح علم حدیث به حدیثی گفته می شود که راوی آن معصوم را درک نکرده باشد؛ خواه واسطه تا معصوم یک نفر و یا بیشتر باشد. از آنجا که سید رضی در قرن چهارم می زیست شایسته بود که نام راویان را تا امام علی علیه السلام ذکر می نمود و به یک باره نمی گفت: «و من کلامه علیه السلام»؛ و یا «من خطبه علیه السلام».

مرحوم سیدرضی که نهج البلاغه را جمع آوری کرده در مقام جمع آوری یک کتاب فقهی و حدیثی نبوده و ایشان به دنبال تدوین کتابی در حوزه بلاغت و فصاحت بوده است

وی افزود: اینجا باید گفت که مرحوم سیدرضی که نهج البلاغه را جمع آوری کرده در مقام جمع آوری یک کتاب فقهی و حدیثی نبوده و ایشان به دنبال تدوین کتابی در حوزه بلاغت و فصاحت بوده است. لذا نیاز نمی دیده که اسناد روایات را ذکر کند. به خاطر همین بر خلاف کتاب هایی مثل کافی و وسائل الشیعه و... در نهج البلاغه سلسله روایات نقل نمی شود. همین باعث شده که نهج البلاغه خیلی مورد اعتنا قرار نگیرد و یک نوع مهجوریتی برای آن ایجاد شود.

جهان بین گفت: البته الان روی اسناد نهج البلاغه خیلی کار شده است و کتاب های مهمی در زمینه اسناد نهج البلاغه تدوین شده که تا حدودی این نقص را جبران می کند. کتاب هایی مانند «مصادر نهج البلاغه و آسانیده»؛ عبدالزهره حسینی خطیب از این جمله است. سند بسیاری از خطب و نامه ها در کتاب های قبل از سید رضی وجود دارد.

وی ادامه داد: در محیط عمومی نیز باید گفت نهج البلاغه قدری سخت است و متن آن متن به نسبت دشواری است و ترجمه های خوبی هم از آن نشده بود. البته الان این نقیصه تا حدود بسیار زیادی حل شده است. لذا در محیط عمومی لازم است فرهنگ سازی مناسبی در این باره انجام شود.

وی گفت: با قاطعیت می توانم عرض کنم که الان بیش از هر زمان دیگری عطف توجه به نهج البلاغه بیشتر شده است و روز به روز این توجه، بیشتر هم می شود.

این استاد دانشگاه اظهار داشت: نهج البلاغه ویژگی هایی دارد که بعد از قرآن آن را منحصر به فرد می کند. اول، ایجاز در عین غنای مطالب است. امیرالمومنین سخن زائدی نفرموده است. نه کوتاه سخن گفته و نه بلند. بلکه مفید سخن گفته اند، «خیر الکلام ما قل و دل»؛ مثلاً می فرمایند «تخففوا تلحقوا»؛ سبکبار شوید تا ملحق شوید و یا فرمود «قِیمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ»؛ ارزش هر شخصی به اندازه آن چیزی است که دوستش دارد. در جمله دیگری مثلاً فرمودند «مَنْ أَبْصَرَ يَهَا بَصْرَتَهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ»؛ هر کس به دنیا نگاه کند، دنیا او را کور می کند و هر کس با دنیا نگاه کند، دنیا او را بینا می کند. یعنی با حرف «بها»؛ بحث نگاه به دنیا را توضیح داده اند.

وی ادامه داد: دوم آنکه، در نهج البلاغه نگاه کامل و غیر گزینشی به مفاهیم دینی داریم. مثلاً حضرت هیچگاه زهد را به معنای گوشه نشینی و عزلت و رهبانیت توضیح نداده است، زهدی که ایشان توضیح می دهد در متن زندگی و در درگیری با آن است. شما برای زندگی تلاش می کنید و برای آن جدیت دارید اما شما هیچگاه دلبسته به زندگی نمی شوید.

وی گفت: حضرت وقتی به کسی که گوشه عزلت گزیده بود معترض شد، آن فرد در پاسخ گفت که خود شما نیز خرقة پشمینه می پوشید و به خود سخت می گیرید اما حضرت پاسخ داد که خداوند بر امرای عدل واجب نموده که با ضعیف ترین مردم خود را همراه کنند که فقر برای آنها قابل تحمل باشد.

وی افزود: امیرالمومنین اینگونه نبودند که گوشه ای بنشینند و در سیاست دخالتی نداشته باشد. عرفان امیرالمومنین با حماسه قرین است. ما با انسانی مواجه هستیم که در میدان جنگ قدرتمندترین است. ایشان در نامه ۴۵ می فرماید که اگر تمام عرب پشت به پشت هم بدهند من در مقابل آنها پشت نمی کنم و اگر فرصتی پیدا کنم به آنها حمله می کنم و

تمام تلاش خود را خواهیم کرد که زمین را از لوٹ وجود این «شخص معکوس و جسم مرکوس» - یعنی معاویه- پاک بکنم. اما همه این فعالیتها برای خداست. اموال بیت المال را در جمعه ها می شستند و دو رکعت نماز می خواندند و بیان می کردند که در روز قیامت برای من شهادت بدهید.

نهج البلاغه و کلام امیرالمومنین تفسیر قرآن است. بالای ۱۳۰ مورد امیرالمومنین در نهج البلاغه یا مستقیم به آیه قرآن استشهاد کرده و یا آیه را تفسیر کرده است. لذا اگر ما بخواهیم قرآن را بفهمیم باید به نهج البلاغه مراجعه کنیم

وی در پایان اظهار داشت: باید گفت نهج البلاغه و کلام امیرالمومنین تفسیر قرآن است. بالای ۱۳۰ مورد امیرالمومنین در نهج البلاغه یا مستقیم به آیه قرآن استشهاد کرده و یا آیه را تفسیر کرده است. لذا اگر ما بخواهیم قرآن را بفهمیم باید به نهج البلاغه مراجعه کنیم.

مصطفی دلشاد تهرانی در مورد ویژگی های نهج البلاغه گفت: شریف رضی طی ۱۶ سال، گزیده ای از مطالب به یادگار مانده از امیرالمومنین(ع) را انتخاب نمود و آن را سازمان بندی کرد. شریف رضی وقتی این کتاب را جمع آوری کرده چند ویژگی را در سبک کار خود رعایت کرده است. مهمترین ویژگی های سبک تالیف این است که این کتاب گزیده است و همه مطالب امیرالمومنین نیست. دوم اینکه سید رضی با نگاه زیبایی شناختی خودش، بلیغ ترین مطالب را انتخاب کرده است و به واقع شاهکار کرده و نهج البلاغه به واقع راه روشن بلاغت است.

وی ادامه داد: اما این کتاب اگرچه از نظر بلاغت، در اوج است، اما از نظر محتوا راه روشن هدایت، سیاست، تربیت، اخلاق، انسان شناسی و... است. ویژگی سومی که در سبک این کتاب لحاظ شده این است که شریف رضی جامع نگری کرده یعنی از انواع مطالب امیرمومنان(ع) گزینش کرده است، لذا این کتاب از نظر تنوع بی مانند است.

وی افزود: چهارمین ویژگی کار او این است که روایات را مرسل آورده یعنی برای آنها به غیر از ۱۷ مورد، آن هم به طور کلی، سندی ذکر نکرده است. دلیل آن هم این است که می خواسته کتابی تالیف کند که نشان دهد مطالب امیرالمومنین(ع) در اوج بلاغت است، لذا سند موضوعیت نداشته و خود کلام باید خودش را نشان می داده است. در ضمن، این روایات معروف و مشهور بوده است و تقریباً همه، آنها را از امام می دانسته اند.

دلشاد تهرانی گفت: ویژگی پنجم این است که خود سید رضی به صحت صدور این روایات قائل بوده است. البته به نظرم مواردی در نهج البلاغه هست که نمی تواند از امیرالمومنین باشد و در صحت صدور آنها تردید است، ولی در مجموع این کتاب از نظر محتوا، زبان، ساختار و... مطمئن ترین منبع حدیثی ماست.

وی افزود: اگر بخواهیم بگوییم نهج البلاغه امروز به چه درد ما می خورد، باید توجه داشته باشیم که مسائل امروز ما چیست و آیا نهج البلاغه نسبت به آن مسائل حرفی دارد یا خیر؟ مشکلات و مسائل بشر امروز را اگر لیست کنیم آیا بزرگترین مشکل بشر امروز بی اخلاقی و آسیب های اخلاقی نیست؟ آیا مسئله بشر امروز فقدان معنای زندگی نیست؟ آیا مشکل بشر امروز آسیب های تربیتی و جنگ و خونریزی و رفتارهای اجتماعی نادرست و... نیست؟

اگر مسائل را استخراج کنیم و آنها را به نهج البلاغه عرضه کنیم می بینیم برای هریک از این مسائل حرف های راهگشا وجود دارد. لذا بعد از قرآن کریم هیچ کتابی به اندازه نهج البلاغه راهگشا نیست

وی ادامه داد: اگر مسائل را استخراج کنیم و آنها را به نهج البلاغه عرضه کنیم می بینیم برای هریک از این مسائل حرف های راهگشا وجود دارد. لذا بعد از قرآن کریم هیچ کتابی به اندازه نهج البلاغه راهگشا نیست. منتهی نکته ای که وجود دارد این است که ما وقتی به سراغ نهج البلاغه می رویم و مسئله ای به آن عرضه می کنیم، لازم است با روش مطالعه و تحقیق درست و علمی آن آشنا باشیم.

وی در پاسخ به این سوال که چه دلایلی مبنی بر مهجوریت نهج البلاغه در جامعه امروز ما وجود دارد گفت: مهجوریت دو شکل دارد؛ یکی مهجوریت نام، عنوان، چاپ، ترویج و تدریس است و یکی هم مهجوریت در عمل، حضور در سبک زندگی و در جاری بودن در عرصه های مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی است. در مهجوریت اول به نظرم امروز نهج البلاغه نسبت به دوره های گذشته از مهجوریت خارج شده است. تعداد ترجمه های نهج البلاغه و تعداد کتاب های موضوعی در مورد نهج البلاغه، پایان نامه ها و مقالاتی که در حوزه نهج البلاغه کار شده است و همچنین وجود مقطع کارشناسی ارشد و دکتری نهج البلاغه و امور دیگر در این عرصه حاکی از توجه به نهج البلاغه است. اما آن چیزی که به نظر من مهجور است حاکمیت فرهنگ نهج البلاغه، زندگی علوی و اخلاق علوی در عمل است. در میدان عمل نهج البلاغه

آن چیزی که به نظر من مهجور است حاکمیت فرهنگ نهج البلاغه، زندگی علوی و اخلاق علوی در عمل است. در میدان عمل نهج البلاغه مهجور است

دلشاد تهرانی ادامه داد: امیرالمومنین(ع) وقتی حکومت را به دست گرفتند، خطبه ای به عنوان سیاست کاری خود ایراد کردند که خطبه ۱۶ نهج البلاغه است و در آن فرمودند: «وَاللّٰهُ مَا كَتَمْتُ وَشَمَمْتُ وَلَا كَذَبْتُ كَذِبًا»؛ یعنی به خدا سوگند هرگز به اندازه سرسوزنی چیزی را پنهان ندارم و هرگز هیچ نوع دروغی نگویم. برای اینها فعل ماضی به کار برده اند که به معنی قطعیت و آینده قطعی است.

وی افزود: کافی است این دو عنصر یعنی شفافیت کامل و پرهیز از دروغ و صداقت کامل در عرصه سیاسی و عرصه های دیگر زندگی حاکم شود، آیا بسیاری از چیزها درست نمی شود؟ آیا بخشی عمده از فسادها و نامردمی ها ریشه در عدم شفافیت و دروغ ندارد؟ اگر مسئولی دروغگو بود نباید اجازه مسئولیت پیدا کند و باید محاکمه شود.

وی گفت: امیرالمومنین(ع) قائل به این است که شما برای رسیدن به مقاصد خود نمی توانید از هر وسیله ای استفاده کنید. امروز عده ای برای رسیدن به مقصود خود از هر وسیله ای استفاده می کنند. امیرالمومنین(ع) می فرمایند: «ما ظفر من ظفر الإثم به، و الغالب بالشّر مغلوب»؛ یعنی پیروز نشد کسی که به وسیله گناه پیروز شده و کسی که به وسیله شر غلبه بکند شکست خورده است. شما ببینید که امروز برای رسیدن به یک میز ریاست چقدر دروغ و حقه بازی صورت می گیرد.

این استاد دانشگاه اضافه کرد: حضرت می فرماید فرق من و معاویه در همین است: «وَاللّٰهُ مَا مُعَاوِيَةُ يَأْذِي مِيْنِيْ وَلَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَيَفْجُرُ وَلَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْقَدْرِ لَكُنْتُ مِنْ أَدْهَى النَّاسِ»؛ یعنی به خدا قسم معاویه زیرک تر از من نیست، ولی او خیانت می ورزد و گناه می کند، و اگر غدر و مکر نکوهدیده نبود، من از زیرک ترین مردمان بودم.

ما وقتی از نهج البلاغه و سیره علوی سخن می گوئیم به معنی یک زندگی مبتنی بر اخلاق و درستی و قواعد انسانی و ایمانی است

وی گفت: بی حرمتی و زشت گویی و بی ادبی در مسائل امروز ما چقدر رایج است؟ ما نیازمندیم که از حضرت ادب و اخلاق بیاموزیم؛ و این مهجور است. در زمان جنگ صفین بود که حضرت دید دو نفر از اصحاب برجسته وی به شامیان دشنام می دهند، حضرت ناراحت شد و آنها را فراخواند و فرمود: «انّی اکره لکم ان تکنوا سبّابین»؛ من بیزارم از اینکه شما دشنام گو باشید. آنها تعجب کردند و گفتند مگر ما بر حق نیستیم و مگر آنها بر باطل نیستند؟ حضرت گفتند بله ما خود را بر حق می دانیم و آنها باطل اند ولی دشنام دادن و زشت گویی منطق ندارد.

وی در پایان گفت: حضرت چنانکه در خطبه ۲۰۶ نهج البلاغه آمده است فرمودند بگوئید: «اللّٰهُمَّ احْقِنْ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ اَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ اَهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ»؛ یعنی خدایا خون ما و آنها را حفظ کن و میان ما و آنان را اصلاح کن و آنها را از گمراهی شان به هدایت درآر. این ادب و اخلاقی است که ما باید از امیرالمومنین(ع) بیاموزیم و حتی به دشمن خود زشت نگوییم. ما وقتی از نهج البلاغه و سیره علوی سخن می گوئیم به معنی یک زندگی مبتنی بر اخلاق و درستی و قواعد انسانی و ایمانی است.